

بررسی رمان «وقتی سموم بر تن یک ساق می‌وزید» از دیدگاه «رنالیسم وهم‌آلود»

طیبه کریمی * karimitayyebh68@gmail.com

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان

شهرام مرادی فیروز

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی (تهران)

واژگان کلیدی

*رنالیسم وهمی

*داستایفسکی

*رمان وقتی سموم بر تن

یک ساق می‌وزید

*خسرو حمزوی

*واقعیت و خیال

*معناباختگی

چکیده

رنالیسم وهمی یا رنالیسم فانتاستیک که از آن در مباحث نقدی و تحلیلی گوناگون با عنوان‌های متفاوتی از جمله ژانر، مکتب، سبک یاد کرده‌اند، اصطلاحی است که وجود مکتب‌هایی چون سورنالیسم زمینه‌ی بروز آن را فراهم کرده است. ویژگی‌های این سبک ادبی و هنری به طور جدی نخستین بار در آثار داستانی نویسنده بزرگ روسی، داستایوفسکی ظهور می‌یابد که بعدها صاحب‌نظرانی چون میخیل باختین و ملکم وی. جونز این سبک نویسندگی را به عنوان یک نظریه مورد بحث و بررسی قرار می‌دهند.

رنالیسم وهمی واقع‌گرایی وهم‌آلود است؛ بدین معنا که به بیان واقعیات بیرونی بر مبنای درون انسان‌ها می‌پردازد. همین امر سبب ایجاد وهم و گمان در واقعیت می‌شود و خواننده را در فهم واقعیت دچار شک و دودلی می‌کند.

این نظریه همانند بسیاری از مکتب‌ها و ژانرهای دوره‌ی معاصر از طریق ترجمه در سراسر جهان از جمله ایران اشاعه یافته و نویسندگان ایرانی که شرایط فکری و فرهنگی پذیرش چنین سبک هنری را داشتند، از آن استقبال کرده‌اند. خسرو حمزوی یکی از نویسندگانی است که بسیاری از آثارش با سبک و سیاق این نظریه‌ی ادبی هم‌خوانی و هماهنگی دارد. به طوری که می‌توان نام رنالیسم فانتاستیک یا وهمی را بر آثار او نهاد. رمان «وقتی سموم بر تن یک ساق می‌وزید» خسرو حمزوی مولفه‌ها و ویژگی‌های این نظریه و سبک ادبی را در خود جای داده است. در این پژوهش به بررسی ویژگی‌های رنالیسم وهمی در رمان مذکور پرداخته می‌شود.